

The Role of the Islamic Government in the Formation of Islamic Civilization from the Perspective of Maududi

Gholamhossein Moghimi¹ , and Mohammad Mahdi Mahdavi³ 

1. Department of Islamic Civilization History, History, Sirah and Islamic Civilization Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. E-mail: gholamhasan_moghimi@miu.ac.ir
2. Corresponding Author, Department of Islamic Civilization History, History, Sirah and Islamic Civilization Complex, Al-Mustafa International University, Afghanistan. E-mail: mahdi_mahdavi@miu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	This study seeks to answer the question of how Maududi assessed the role of the Islamic government in the emergence and sustainability of Islamic civilization and what indicators he proposed for achieving Islamic civilization through governance (Issue). While Islamic government is necessary for the realization of Islamic civilization, it alone is not sufficient (Premise). Using a descriptive-analytical method, this research is based on Maududi's works and related studies (Method). According to Maududi, the Islamic government plays a crucial role in the emergence of Islamic civilization through an Islamic intellectual and cultural revolution. The findings indicate that the Islamic system, by establishing five key indicators—Tawhīd-based governance, a responsible religious society, a democratic system, unity and peaceful coexistence among people, and human rights—initiates the Islamic revolution. This revolution, in its evolutionary process, brings Islamic civilization to fruition, providing individuals with a life characterized by peace, comfort, welfare, prosperity, knowledge, and rationality (Findings). From Maududi's perspective, the purpose of Islamic governance is to uphold comprehensive religious authority and remain accountable to it. Therefore, a group of morally upright, aware, religiously knowledgeable, and revolutionary individuals is necessary to establish an Islamic government, which is a right of the people and lacks legitimacy without their consent. The most important mission of the Islamic government is the realization of the Islamic revolution as a form of societal construction, where the implementation of Sharia and religious ordinances fosters the growth of religious culture and knowledge.
Article history: Received: 2024-08-07 Revised: 2025-01-07 Accepted: 2025-01-09 Available online 15 May 2025	
Keywords: Islamic Government, Islamic Civilization, Islamic Revolution, Maududi	

Cite this article: Moghimi, Gholamhossein and Mahdavi, Mohammad Mahdi (2025). The Role of the Islamic Government in the Formation of Islamic Civilization from the Perspective of Maududi. *Historical Studies of the Islamic World*. 33 (1), 104-149. <https://doi.org/10.22034/mte.2025.19185.1837>



© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

<https://doi.org/10.22034/mte.2025.19185.1837>

نقش حکومت اسلامی در ایجاد تمدن اسلامی از منظر مودودی

غلامحسین مقیمی^۱، محمدمهدی مهدوی^۲

۱. گروه تاریخ تمدن اسلامی، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

رایانامه: gholamhasan_moghimi@miu.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، گروه تاریخ تمدن اسلامی، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، افغانستان.

رایانامه: mahdi_mahdavi@miu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵

کلیدواژه‌ها:

حکومت اسلامی،

تمدن اسلامی،

انقلاب اسلامی،

مودودی

این تحقیق در صدد یافتن پاسخ به این پرسش است که مودودی نقش حکومت اسلامی در پیدایی و پایایی تمدن اسلامی را چگونه ارزیابی نموده و برای تحقق تمدن اسلامی از مسیر حکومت اسلامی چه شاخص‌هایی را مطرح می‌نماید (مسأله). برای تحقق تمدن اسلامی حکومت اسلامی ضروری است، هرچند به تنهایی کافی نیست (پیش‌فرض). روش مطالعه این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از جامعه پژوهش آثار مودودی و برخی آثار مرتبط به سامان میرسد (روش).

در اندیشه مودودی حکومت اسلامی، از مسیر انقلاب فکری فرهنگی اسلامی، نقش مهم در پیدایی تمدن اسلامی دارد. براساس یافته‌های تحقیق، نظام اسلامی با ایجاد شاخص‌های پنج‌گانه‌ی حاکمیت توحیدی، جامعه دینی مسئولیت‌پذیر، نظام مردم‌سالار، وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز مردم و حقوق بشر انسانی، انقلاب اسلامی را پدید می‌آورد و انقلاب اسلامی در فرایند تکاملی خود تمدن اسلامی را به منصه‌ی ظهور می‌رساند که در پرتو آن انسان‌ها زندگی همراه با آرامش، آسایش، خیر، برکت، دانایی و خردورزی را تجربه می‌کنند (یافته‌ها). از منظر مودودی مقصود از حکومت اسلامی، حکومتی است که مرجعیت همه‌جانبه دین اسلام را پذیرفته و در برابر آن پاسخگو است. از این رو گروهی از انسان‌های مهذب، آگاه، دین‌شناس و انقلابی لازم است تا با قیام‌شان حکومت اسلامی تشکیل دهند؛ حکومتی که حق مردم است و بدون رضایت آنان فاقد مشروعیت می‌باشد. مهم‌ترین رسالت حکومت اسلامی تحقق انقلاب اسلامی، به مثابه جامعه‌پردازی، است که با اجرای شریعت و احکام دین، رشد فرهنگ و دانش دینی پدید می‌آید.

استناد: مهدوی، محمد مهدی؛ مقیمی، غلامحسین؛ (۱۴۰۴). حکومت اسلامی در ایجاد تمدن اسلامی از منظر مودودی، مطالعات تاریخی جهان

<https://doi.org/10.22034/mte.2025.19185.1837.۱۲۸-۱۴۹> اسلام ۳۳ (۱)، ۱۲۸-۱۴۹

الف) مقدمه

نقش حکومت اسلامی در برپایی تمدن اسلامی، مهم و انکارناپذیر است؛ از این رو، برخی از اندیشمندان و صاحب‌نظران مسلمان به ارایه چارچوب، مدل و ساختار حکومت اسلامی پرداخته و تلاش نموده با ارایه نسخه جامع و کاربردی از حکومت اسلامی، راهکارهای تحقق آن را ارایه دهند تا راه برای ایجاد تمدن اسلامی هموار گردد. ابوالاعلی مودودی (۱۹۰۳-۱۹۷۹م) در این راستا تلاشهای بسیاری را به کار بست تا بتواند در کشور تازه تأسیس پاکستان حکومت اسلامی را بنیان نهد. هرچند ایشان در این راه موفق نشد؛ زیرا از برقراری حکومت اسلامی تا دستیابی به انقلاب فکری فرهنگی اسلامی راهی است طولانی که شرایط و مقتضیات خاص خود را می‌طلبد و باید محقق شود تا انقلاب اسلامی به وجود آید. چه بسا حکومت‌ها و حاکمانی که سعی داشتند در پرتو حکومت اسلامی، انقلاب فکری فرهنگی اسلامی را پدید آورند، اما موفق نشدند و آرزوهای شان را با خود بردند. مودودی نیز در این باره، جز سفارش‌ها و توصیه‌های کلی برگرفته از معارف و منابع دینی، راهبردی نو و کاربردی را مطرح نکرده است. ولی نظریات ایشان در باب حکومت و نسبت آن با تمدن اسلامی حاوی نکات مهم و راهبردی در موضوع تمدن اسلامی می‌باشد؛ از این رو ضرورت دارد اندیشه‌های وی در این باره به خوانش گرفته شده و نقش حکومت اسلامی در پیدایی تمدن اسلامی مورد تحلیل و ارزیابی قرارگیرد.

مودودی اندیشمند نواندیش، احیاگر دینی، سیاستمدار و نویسنده مسلمان در «اورنگ‌آباد» هند به دنیا آمد. تحصیلاتش را، پس از آموزش در محضر پدر، در «حیدرآباد» تکمیل نمود. در اوج مبارزات استقلال طلبانه مردم شبه قاره هند و نیز دفاع مسلمانان از نهاد خلافت بسیار زود وارد دنیای سیاست و فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی گردید. حزب «جماعت اسلامی» را پس از تأسیس در سال ۱۹۴۱م (گیلانی، ۱۳۹۳: ۷۰) سی سال رهبری نمود. پس از استقلال پاکستان، به این کشور منتقل شد و لاهور را مرکز فعالیت‌های خویش برگزید. آثار بسیاری را منتشر نمود و مجله «ترجمان القرآن» شناخته شده‌ترین آدرسی بود که در آن افکار و نظرات دینی و سیاسی خویش را منتشر می‌نمود. برای اسلامی‌سازی حکومت تازه تأسیس پاکستان به تقابل با دولت پرداخت و بارها به زندان رفت و بر اثر حمایت‌های مردمی و بین‌المللی از محکومیت اعدام رهایی یافت. چندین مقام و درجه علمی و فرهنگی را از کشورهای مختلف اسلامی به دست آورد (همان: ۱۵۷ و...). سرانجام بر اثر بیماری، چشم از جهان پوشید و در لاهور به خاک سپرده شد. افکار و اندیشه‌های وی در زمان خودش در شبه قاره هند، برخی کشورهای عربی و شمال آفریقا و حتی در اروپا و آمریکا طرفدارانی داشت که تا مدت‌ها همچنان بر حرارت آن را دنبال می‌کردند.

نویسنده سعی دارد در این نوشتار با استفاده از تحلیل محتوای کیفی آثار مودودی به بررسی نقش حکومت اسلامی در برپایی تمدن اسلامی بپردازد که با هدف دست‌یافتن به رویکردهای کلان در باب نسبت‌سنجی حکومت و تمدن صورت می‌گیرد؛ بدین لحاظ حکومت اسلامی و تمدن اسلامی دو متغیر اصلی پژوهش را تشکیل می‌دهند.

علی‌رغم مطالعات و تحقیقاتی که در باره مودودی و اندیشه‌هایش صورت گرفته و کم هم نیست، باید اذعان نمود که بررسی اندیشه‌های مودودی با نگاه تمدنی کاری تازه است. دلیل این امر، تازگی بحث‌های تمدنی در میان اندیشمندان مسلمان و نیز غلبه مباحث اسلام سیاسی در نزد مودودی می‌باشد. علاوه بر آن، تفسیرهای سخت‌گیرانه و افراطی نسبت به برخی مفاهیم دینی توسط مودودی و سیطره آن بر اندیشه‌های نوگرایانه و ابتکاری وی، بررسی مباحث تمدنی از منظر ایشان را در حاشیه قرار داده است. برخی از مهم‌ترین آثار تحقیقی پیرامون اندیشه‌های مودودی عبارتند از: کتاب نظام سیاسی در اندیشه سید ابوالاعلی مودودی^۱، اثر سید مهدی علیزاده موسوی؛ کتاب حکومت دینی در اندیشه امام خمینی و ابوالاعلی مودودی^۲، اثر ضامن علی حبیبی؛ کتاب بررسی و نقد اندیشه‌های سیاسی- اجتماعی و تحولات فکری- عملی مودودی^۳، اثر علی گلشنی؛ مقاله اندیشه‌های سیاسی ابوالاعلی مودودی و جنبش احیاطللی اسلامی^۴، اثر سید عباس عراقچی؛ مقاله گسست و پیوست امت اسلامی در اندیشه سیاسی مودودی^۵، اثر محمدعلی میرعلی. در مقاله اخیر هرچند یکی از مهم‌ترین بحث‌های سیاسی فرهنگی (عوامل گسست و پیوست امت اسلامی) در اندیشه مودودی مطرح و مورد تحلیل و ارزیابی علمی قرار گرفته است، که ارتباط عمیق با پیدایی تمدن اسلامی دارد، به ویژه راهبردهای بازتولید پیوست سیاسی امت اسلامی از منظر مودودی؛ اما در آن، از پیوند این بحث با موضوع برپایی تمدن اسلامی سخنی به میان نیامده و اثر مذکور با چنین رویکردی نگارش نیافته است. آثار دیگر همانند: تحلیل مردم‌سالاری دینی در اندیشه

۱- این کتاب در ۲۸۸ صفحه وزیری برای نخستین بار توسط انتشارات امیر کبیر در سال ۱۳۹۴ منتشر شده و آقای رعد حجاج آن را به عربی برگردان نموده و مرکز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامی ترجمه عربی آن را در قطع وزیری در ۳۰۰ صفحه منتشر نموده است.

۲- این اثر در قطع وزیری و ۲۲۳ صفحه، توسط انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی برای نخستین بار در ۱۳۸۵ هـ.ش، در قم چاپ شده است.

۳- این اثر پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشجوی دانشگاه امام صادق(ع)، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی می‌باشد که در مرداد ۱۳۷۵ دفاع شده است.

۴- این مقاله در فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ششم، شماره ۳ (پاییز ۱۳۷۸)، شماره پیاپی ۱۹، صص ۷۳-۱۰۶ منتشر شده است.

۵- این مقاله علمی پژوهشی در فصلنامه سیاست مربوط دانشگاه تهران، دوره ۴۸، شماره ۱، فروردین ۱۳۹۷، صص ۲۳۷-۲۵۵، منتشر شده است.

ابوالاعلی مودودی^۱، اثر مهدی خزاعی گسک؛ احیاگرایی اسلام از نظرگاه امام خمینی (ره) و ابوالاعلی مودودی^۲، اثر علی امیرخانی؛ جمهوریت در حکومت اسلامی از نگاه امام خمینی (ره) و ابوالاعلی مودودی^۳، اثر شبیر احمد سعیدی؛ بررسی دیدگاه‌های تقریبی امام خمینی (ره) و مولانا سید ابوالاعلی مودودی^۴، اثر سید حسن مهدی کاظمی؛ اسلام و مقتضیات زمان از نظر شهید مطهری و ابوالاعلی مودودی^۵، اثر محمد اشرف متو، با نگاه تمدنی نگارش نیافته و جای بحث‌های تمدنی اندیشه‌های مودودی در آنها خالی است. از این رو، بحث کنونی هم تازه و هم موردنیاز می‌باشد.

ب) مفاهیم ضروری

به منظور روشن شدن مباحث، لازم است ابتدا مفاهیم مهم و پرکاربرد در این نوشتار، مانند: نقش، حکومت اسلامی، انقلاب اسلامی و تمدن اسلامی، تبیین، سپس شبکه ارتباطی آنها تحلیل و در نهایت نسبت‌سنجی گردد.

نقش

در این نوشتار از «نقش» عملکرد، کارکرد و تأثیر مقصود می‌باشد، نه دیگر معانی که در کتب لغات، مصطلحات و مرجع به آن اشاره شده است. تردیدی نیست که در ایجاد تمدن اسلامی عوامل متعدد تأثیر دارند و باید تحقق یابند تا این هدف به دست آید و یکی از آن عوامل، حکومت اسلامی است. نویسنده در صدد است تا کارکرد و ظرفیت حکومت اسلامی در پیدایی تمدن اسلامی از منظر مودودی را مورد تأمل و بررسی قرار دهد.

حکومت اسلامی

حکومت اسلامی به معنای زمامداری و مدیریت سیاسی جامعه مسلمانان است که پیش از دوران معاصر با

۱- این مقاله در نشریه ره‌آورد سیاسی مربوط دانشگاه امام صادق (ع)، سال دوازدهم، شماره ۴۳ (پیاپی ۴۴)، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۸۳-۹۸ چاپ شده است.

۲- اثر مذکور، که پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه ادیان و مذاهب قم می‌باشد، در سال ۱۳۸۸ به سامان رسیده و دفاع شده است.

۳- این اثر پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه اسلامی است که در مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) وابسته به جامعه المصطفی العالمیه در خرداد ۱۳۸۹ دفاع شده و در مجموع دارای ۲۵۳ صفحه می‌باشد.

۴- این پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مذاهب اسلامی مجتمع آموزش عالی امام خمینی وابسته به جامعه المصطفی العالمیه، در ۲۴۰ صفحه در خرداد ۱۳۸۸ دفاع شده است.

۵- اثر مذکور پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه اسلامی است که در مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) وابسته به جامعه المصطفی العالمیه در اسفند ۱۳۸۸ دفاع شده و در مجموع دارای ۲۶۹ صفحه می‌باشد.

ادبیاتی مانند: خلافت، ولایت، سیاست شرعی، امامت، سلطنت و امارت از آن یاد میشد. در قرن حاضر تحت تأثیر شرایط فکری و اجتماعی نوین جهانی، تا حدودی آن عناوین و اصطلاحات فراموش شد و واژگان جدید جایگزین گردید که «حکومت اسلامی» یکی از آنها است (حاج سید جوادی، ۱۳۸۱، ۶: ۴۶۸). برای حکومت اسلامی تعاریف گوناگون و متعددی ارایه شده است، مانند: حکومت و دولتی که در کشور و سرزمین مسلمانان تشکیل شده و اقتدار سیاسی در دست مسلمانان قرار دارد؛ حکومتی که حافظ و مجری شریعت و آموزه‌های اسلامی می‌باشد؛ حکومتی که بر مبنای دین اسلام و قانون اسلامی شکل گرفته باشد و فرمانروایان آن براساس منابع و نصوص دینی شرایط و اختیارات ویژه دارند، مانند: قریشی، مجتهد، عادل و...؛ حکومتی که علاوه بر شرایط مندرج در نوع سوم، شیوه استقرار حاکم در رأس هرم قدرت نیز از سوی دین تبیین شده باشد (فیرحی، ۱۳۸۳: ۲۳-۲۱).

مودودی، حکومت اسلامی را حکومتی میداند که بر مبنای اصول، مبانی و قوانین اسلام پدیدآمده و حکومت در تمام ابعاد خود را مکلف به اطاعت از شریعت اسلامی میداند. دین اسلام در سیاست و اداره جامعه مرجعیت همه‌جانبه دارد، زمامداران مطابق شریعت اسلام به تدبیر امور می‌پردازند و سعی‌شان بر تبلیغ و نشر احکام دین می‌باشند (مودودی، ۱۳۹۷هـ/ق/۱۹۷۷م: ۸۵-۸۶؛ گیلانی، ۱۳۹۳: ۲۰۷). هرچند دیدگاه مودودی در باب حکومت اسلامی با تعریف نوع اخیر در فوق مطابقت دارد، اما ایشان برخی شرایط برای زعیم، مانند اختصاص این مقام به گروه قومی قریش را نمی‌پذیرد، بلکه تمام انسانهای مؤمن شایسته را در این امر برابر میداند (مودودی، ۱۴۰۱هـ/ق/۱۹۸۱م: ۴۳؛ مودودی، ۱۴۱۹هـ/ق/۱۹۹۸م: ۵۹-۶۳). بر این اساس حکومت اسلامی حکومتی است که در عرصه سیاست و مدیریت جامعه مرجعیت همه‌جانبه دارد و دولت و نهادهای تابع آن در برابر دین اسلام خود را ملزم و مکلف میداند و قوانین حکومت کاملاً از اسلام فراهم گردیده است. به باور ایشان دین اسلام جزئی از زندگی نیست، بلکه تمام زندگی، روح گویا و محرک اصلی زندگی است که فهم، شعور، بیداری، فکر و درک به ما میدهد و معیار راستی و کثی است که در هر آن و عرصه زندگی ما را راهنمایی و هدایت میکند. این دین نیامده که یک پدیده «ملحق» و وابسته به زندگی باشد؛ بلکه اصل و اساس زندگی است (مودودی، ۱۳۹۷: ۸).

در نتیجه، حکومت اسلامی، صرفاً دولت و نظام سیاسی در کشورهای مسلمان، یا نظام سیاسی که تنها قوانین آن از شریعت اسلام دریافت شده و حکومت حافظ و مجری قوانین اسلامی باشد، مقصود نیست (فیرحی، ۱۳۸۳: ۲۳-۲۱)، بلکه علاوه بر آن، حکومت در همه امور مدنی و تمدنی، مکلف به اجرای شریعت و در برابر احکام فردی و اجتماعی دین پاسخگو می‌باشد. در این نوشتار وقتی از نقش و ظرفیت حکومت اسلامی در برپایی تمدن اسلامی سخن به میان می‌آید، مقصود حکومتی است که این ویژگی‌ها را دارد.

انقلاب اسلامی

انقلاب در ادبیات سیاسی به دگرگونی شدید، گسترده و عمیق در نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به کار می‌رود که با شورش، عصیان و طغیانگری مردم به وجود می‌آید و معمولاً با خشونت همراه است (طلوعی، ۱۳۹۰: ۲۰۸؛ انوری، ۱۳۸۱، ۱: ۳۵۷۹). بنابراین، انقلاب اسلامی به معنای دگرگونی عمیق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که بر مبنای دین اسلام پدید می‌آید. از این رو پیامبر بزرگ اسلام، یک انقلابی و مصلح بزرگ و تمام عیار بود که توانست دگرگونی عظیمی را در جامعه به وجود آورد (حاج سید جواد، ۱۳۷۵، ۲: ۵۶۲).

از منظر مودودی، مراد از انقلاب اسلامی، که حلقه واسط میان حکومت و تمدن است، به معنای تحول فکری، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی عمیق افراد جامعه بر مبنای اندیشه‌های اسلامی می‌باشد (مودودی، ۱۴۱۹ هـ.ق / ۱۹۹۸ م: ۱۱۴۷)، نه طغیان، خیزش و عصیان که مردمی علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظم مطلوب انجام می‌دهند (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۳۹). از این رو، انقلاب اسلامی بیش از آنکه رویکرد سیاسی آن مدنظر باشد، چنانکه در نگاه نخست و شایع انقلاب به همین معنا به کار می‌رود، رویکرد فکری و فرهنگی آن مدنظر است و مودودی با همین دیدگاه به آن می‌نگرد؛ از این رو، مرحله آن را پس از برقراری حکومت اسلامی میداند (مودودی، ۱۴۱۹ هـ.ق / ۱۹۹۸: ۱۱۴۷)، درحالی‌که انقلاب سیاسی علیه وضع و نظام موجود پیش از استقرار حکومت مطلوب به وقوع می‌پیوندد.

تمدن اسلامی

تمدن عبارت است از مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور، یا عصر معین و یا حالت پیشرفته و سازمان‌یافته‌ی فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن، پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است. (شریعتی، ۱۳۸۴، ۱: ۵-۶؛ ولایتی، ۱۳۸۶، ۱: ۳۱).

بنا بر بیان فوق، تمدن اسلامی به معنای مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی مسلمانان در سرزمین‌های اسلامی در تاریخ مسلمانان می‌باشد. یا حالت پیشرفته و سازمان‌یافته‌ی فکری و فرهنگی جامعه مسلمانان است که در پرتو رشد فرهنگ، دانش، اقتصاد، هنر و وجود نهادهای اجتماعی با درون‌مایه اسلامی به وجود می‌آید. اما مقصود نویسنده از تمدن اسلامی، در این نوشتار، حالت پیشرفته اجتماعی است که بر اثر تعالی فرهنگ، رشد و توسعه اقتصادی، گسترش ارتباطات، توسعه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و مدیریتی در چارچوب ایدئولوژی و جهان‌بینی اسلامی در جامعه مسلمانان در یک فرایند طولانی و دوام‌دار پدید می‌آید و از ثبات و عمومیت برخوردار می‌باشد.

در این تعریف، تمدن پیش از آنکه به بیرون از انسان و محیط انسانی متمرکز باشد، به تغییر درون و رفتار انسان توجه دارد و بستر اصلی آن را در رفتار اجتماعی انسان جستجو میکند. بدان دلیل که به تمام نمادهای تمدن در روی زمین و جامعه مظاهر و جلوه‌های تمدن گفته می‌شود، نه خود تمدن. تعریف فوق با دیدگاه مودودی در باره تمدن اسلامی همخوانی دارد که آن را در حاکمیت دین اسلام، اجرای قوانین آن در تمام ابعاد زندگی مسلمانان و حاکمیت اصول و مبادی این آیین الهی می‌داند که بر جهان‌بینی ویژه مبتنی است و اهداف ویژه‌ی برای انسانها در زندگی ترسیم نموده، به اخلاق و انسان ارزش و اهتمام ویژه دارد. (مودودی، ۱۹۸۷: ج-س؛ مودودی، ۱۳۹۶: ۴۳-۴۵).

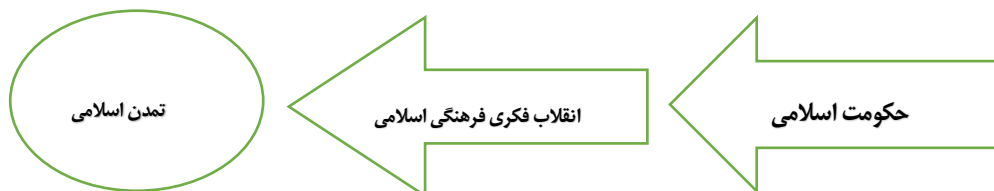
رشد و توسعه فرهنگی، اقتصادی، عقلانی، اجتماعی، گسترش و توسعه نهادهای اجتماعی، مدیریت جامعه با شیوه معقول و آسان، برخورداری از امنیت، رفاه و آسایش همگانی در یک فرایند نسبتاً طولانی باعث ملایمت در رفتار اجتماعی انسانها گردیده، خوی‌ها نرم، خشونت در چارچوب قانون محدود و به حداقل رسیده، همکاری‌های انسانی افزایش یافته و جامعه از ثبات و آرامش قابل اطمینان برخوردار میگردد. رهبر انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز در تقسیم تمدن نوین اسلامی به دو بخش ابزاری و اصلی که بخش اصلی آن را سبک زندگی انسان میداند و علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی و مانند آن را بخش ابزاری و غیر اصلی تمدن برمی‌شمارد، در حقیقت به همین نوع تعریف نظر دارد. به فرموده ایشان «بخش حقیقی [تمدن] آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد؛ که همان سبک زندگی است. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسأله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن... رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی...» (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳). چنانکه محمدتقی جعفری با ارائه معنای تکامل و نظم اجتماعی از تمدن بر بُعد معنوی آن تأکید دارد (جعفری، ۱۳۸۶، ۱۶: ۲۳۴). بر مبنای تعریف برگزیده، تمدن کنونی مردمان مغرب‌زمین را میتوان به چالش کشید؛ زیرا آنها در برخورد با دیگر مردم دنیا و به قول امروزی «جهان سومی» رفتار غیر انسانی دارند و برای استعمار و استثمار مردم دنیا، با هدف رفاه و آسایش بیشتر مردمان خود، از هیچ تلاش و نیرنگی فروگذار نیستند. حالت پیشرفته امروزی مردمان مغرب زمین به معنای پیشرفت در تولید و به کارگیری تکنولوژی است، نه دستیابی به تمدن، که مقوله‌ی است ارزشمند و انسانی. زمامداران کنونی مغرب‌زمین، که امروزه خود را در قله تمدن می‌بینند و مردمان سرزمین‌های دیگر را غیر متمدن می‌خوانند، همچنان از دستیابی به تمدن دورند و با خوی استعماری که دارند، نمیتوان آنها را متمدن خواند. انسان متمدن رفتارش نسبت به همه ملایم و از سر انسانیت میباشد، نه اینکه انسانها را به خودی و بیگانه تقسیم نموده، با اولی به نیکی و با دومی با بدی رفتار نماید.

ج) نقش حکومت اسلامی در انقلاب فرهنگی تمدن ساز

از میان عوامل مؤثر در تمدن، نظام سیاسی در پیدایش و پایداری تمدن نقش برجسته و ممتاز دارد و یکی از علت‌های فاعلی آن به شمار می‌رود (زمانی محبوب، پاییز و زمستان ۱۳۹۹: ۱۴۸)؛ زیرا شکل‌گیری تمدن محصول وجود هماهنگی نظام‌های اجتماعی گوناگون است و حاکمیت حلقه وصل و عامل انسجام آن عناصر در برقراری تمدن به شمار می‌رود (همان: ۱۴۹). اگر نظام سیاسی مقتدر نباشد، چه بسا دیگر عوامل راه به جایی نخواهد برد؛ مانند: نظم، امنیت، قدرت نظامی، وحدت، رفاه نسبی، گسترش دانش و مانند آن. به باور برخی از اندیشوران، رسول خدا (ص) اگر در مدینه به تشکیل حکومت اسلامی موفق نمی‌گردید، تمدن اسلامی پایه‌ریزی نمی‌شد؛ هرچند بدون آموزه‌های وحیانی و منظومه‌ی از احکام الهی حکومت مدینه فاقد ظرفیت تمدن‌سازی بود؛ اما در هر حال، حکومت و تمدن نشان دادند که رابطه تنگاتنگی با هم دارند (همان: ۱۴۸-۱۴۹).

از همین رو، مصلحان و بیدارگران مسلمان معاصر بر ضرورت تأسیس حکومت اسلامی و اصلاح حکومت‌های فاسد تأکید ورزیده‌اند. مودودی بخش قابل توجهی از تلاش‌های مبارزاتی خویش را برای ایجاد حکومت اسلامی هزینه نمود. ایشان با نوشتن کتب و مقالات متعدد به تبیین چارچوب‌ها، اصول، قوانین و ساختارهای حکومت اسلامی پرداخت و سعی نمود آن را در قالب مفاهیم روشن و کاربردی با هدف عملیاتی کردن تئوری حکومت اسلامی ارایه نماید و در بخش عملی نیز برای تشکیل حکومت اسلامی و اسلامی‌سازی قوانین پاکستان تلاش‌های بسیار نمود.

از منظر مودودی رابطه حکومت اسلامی با تمدن اسلامی با متغیر واسطی به نام انقلاب اسلامی برقرار می‌گردد. بنابراین تمدن اسلامی متغیری است وابسته به حکومت اسلامی که این پیوند و وابستگی از طریق انقلاب فکری فرهنگی اسلامی پدید می‌آید. حکومت اسلامی با شاخص‌ها و ویژگی‌هایی که دارد انقلاب فکری فرهنگی را در جامعه به وجود می‌آورد و انقلاب فکری فرهنگی اسلامی در فرایند تکاملی خود تمدن اسلامی را به منصفه ظهور می‌رساند. این شاخص‌ها و ویژگی‌های تمدن ساز عبارتند از: حاکمیت توحیدی، ایجاد جامعه عابد و مسئولیت‌پذیر، نظام سیاسی مبتنی بر اراده مردم، سبک زندگی اسلامی، وحدت و همگرایی امت و سرانجام پاسداری از کرامت انسانی و حقوق بشر فطری. با تحقق این ویژگی‌ها در سایه تلاش دولت اسلامی جامعه حرکت به سمت آرمان‌های بلند انسانی و مدنیت را در پیش می‌گیرد و در نتیجه زندگی مردم رنگ تمدن الهی می‌یابد.



(۱) حاکمیت توحیدی

نخستین نقش حکومت اسلامی در انقلاب فرهنگی تمدن ساز حاکمیت توحیدی است؛ به این معنی که حاکمیت و سلطنت حقیقی حق خدای متعال می باشد و احدی غیر از آن ذات کبریایی از چنین امتیازی برخوردار نیست (مودودی، ۱۴۰۱ هـ.ق / ۱۹۸۱ م: ۱۸ و ۲۴). مردم مؤمن تنها از باب جانشینی خدای متعال به صورت بالعرض از چنین حقی برخوردارند و تمام مردم در تأسیس حکومت اسلامی برابرند (همان: ۲۵؛ مودودی، ۱۹۸۷ م: ۱۴) که از باب ضرورت و از طریق مکانیسم وکالت و انتخابات تحت شرایطی آن را به افراد خاص واگذار می نمایند. بنابراین، حکومت تعدادی از انسانهای مؤمن هیچگونه امتیازی برای آنان پدید نمی آورد و آنان صرفاً وکلای ملت اند که قدرت سیاسی را در دست می گیرند. از این رو بدون کسب رضایت مردم فاقد مشروعیت می باشند (مودودی، ۱۴۰۱ هـ.ق / ۱۹۸۱ م: ۴۳). حاکمان از خود هیچگونه اختیار و آزادی عمل ندارند تا هرگونه خواستند اعمال حاکمیت کنند؛ بلکه موظفند همواره طبق فرمان خدای متعال حرکت نمایند (همان: ۲۴-۲۵، ۲۷، ۳۰ و...).

مودودی اصل و اساس تمدن اسلامی را توحید میدانند و بر اهمیت آن بیش از هر مفهوم دینی دیگر در اسلام تأکید دارد. وی همانگونه که توحید را در خالقیت، مالکیت، ربوبیت و عبودیت خداوند باور دارد، در حاکمیت نیز معتقد است سلطنت تکوینی و تشریعی حق خدای متعال می باشد و اساس این امر به خالقیت پروردگار برمیگردد (مودودی، ۱۴۰۱ هـ.ق / ۱۹۸۱ م: ۲۱، ۲۲ و ۲۴؛ مودودی، ۱۳۸۸: ۴۴-۴۶). بر همین اساس تمام احکام حکومتی باید از مبدأ وحیانی تشریع شود که این امر همان توحیدگستری بر حاکمیت است. طبق این دیدگاه، حکمرانان جهان اسلام حاکم و صاحب مملکت نیستند، بلکه امر اداره جامعه را به صورت امانت برای مدتی در دست دارند (محمدعلی جمال، ۱۳۹۳ ق: ۲۰۳). علاوه بر حاکمان مسلمان، هر مسلمانی باید باور داشته باشد که حاکمیت خداوند بر تمام هستی احاطه دارد و به هیچ یک از بندگان اجازه نمیدهد تا ادعای حق حاکمیت سیاسی کند، بلکه انسانهای مؤمن از باب خلافت الهی حق حاکمیت سیاسی، همسو با نظر الهی، را دارند که مودودی از آن با نظام تئوکراسی یاد میکند (مودودی، ۱۴۰۱ هـ.ق / ۱۹۸۱ م: ۲۵). در جامعه توحیدی و در سایه حکومت اسلامی نظم و قانون برقرار است، فساد، بی عدالتی، تبعیض و زورگویی برچیده شده و قانون بر همه به صورت یکسان حکم فرما است (مودودی، ۱۳۹۷ هـ.ق / ۱۹۷۷ م: ۲۰۱-۲۰۳) و در نتیجه جامعه از درون و بیرون متحول گردیده و خورشید انقلاب اسلامی بر همگان می تابد و در گرما و روشنی آن، تمدن اسلامی پدید می آید.

در سایه ایمان به خداوند و توحید، انسانهای مؤمن با هم برابر بوده، از حقوق یکسان برای انتخاب حاکم و بهره‌مندی از امکانات زندگی برخوردار می باشند. حاکمان افراد امین، بالایمان، مورد اعتماد، کارشناس، فهیم

و پرهیزگارند (مودودی، ۱۴۰۱ هـ.ق / ۱۹۸۱ م: ۴۸ و ۵۲-۵۵) که توسط مردم برای مدیریت جامعه برگزیده میشوند (همان: ۴۳) و مردم هر زمان که آنان را فاقد شرایط لازم ببینند، برکنار و افراد دیگر را جایگزین میکنند. حاکمان، به ویژه رهبر، در قبال اعمال خود و دولتش پاسخگو است (همان: ۵۰) و مردم همواره از نقش نظارتی بر حکومت برخوردار میباشند. چنانکه مشاور و خیرخواه حکومت بوده و با اطاعت از قوانین (همان: ۶۳)، یار و مددکار دولت میباشند.

در چنین حکومتی حاکم نه طغیانگر و مستبد است، نه اسرافکار بیت المال و سرمایه‌های عمومی و نه فاقد مسئولیت؛ بلکه موظف است در چارچوب قانون خداوند و کسب رضایت مردم ایفای وظیفه نماید. حکومت به گروه، نژاد، طبقه و جریان خاص منحصر نبوده، هرکس، بر مبنای ارزش‌های اسلامی واجد شرایط زعامت و حکومتداری باشد، میتواند از سوی مردم برگزیده شود (همان: ۴۳)؛ جز زنان (همان: ۶۹-۷۶) و اقلیت‌های غیرمسلمان (مودودی، ۱۳۹۷ هـ.ق / ۱۹۷۷ م: ۹۱).

جامعه دینی عبودی

عبودیت و بندگی خدا یکی از شاخص‌ها و جلوه‌های تمدن اسلامی است (بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۱۱). عبودیت در برابر خداوند مسئولیت‌پذیری در برابر ایشان را به دنبال دارد. مسئولیت‌هایی که در جوامع انسانی پذیرفته شده، یا مسئولیت در قبال جامعه است؛ به گونه‌ای که اگر افراد آن را انجام ندهند، بازخواست میشوند و یا مسئولیت در مقابل وجدان خود شخص است. در این میان نوعی مسئولیت دیگر وجود دارد که تنها در جوامع دینی یافت میشود و آن مسئولیت در برابر خداوند است؛ هرچند براساس بینش توحیدی مسئولیت‌های دیگر نیز در برابر خداوند متعال محسوب میشود (مصباح یزدی، ۱۳۷۵: ۹۸-۹۷). در جامعه اسلامی تمامی انسانها در برابر خدای متعال موظفند و مسئول. از این رو وظایفی را که بدانان سپرده می‌شود بایستی به درستی انجام دهند؛ چندانکه بتوانند در محضر پروردگار پاسخگو باشند. بنابراین، عبودیت تنها متکی بر روابط انسان با خدا نیست، بلکه بر روابط انسان با دیگران و جامعه‌ای که در آن زیست میکنند، تأثیر مستقیم دارد و این گونه است که عبودیت با جامعه دینی پیوند میخورد (آقایی، ۱۳۸۷: ۳۱). در نتیجه عبودیت اجتماعی و جامعه دینی شکل میگیرد. با تحقق جامعه دینی عبودی زمینه تأسیس جامعه متمدن اسلامی فراهم می‌گردد.

حکومت برآمده در چنین جامعه و نگرشی، حکومت مسئولیت‌پذیر، مجری قانون خداوند و پیراسته از خودکامگی و ستمگری می‌باشد و اجرای قانون الهی، حفظ حقوق مردم، رعایت امانت در بیت المال و تلاش برای شکوفاسازی استعدادهای افراد جامعه و در نتیجه تمدن اسلامی را به دنبال می‌آورد.

رابطه عبودیت تمدنی و حاکمیت رابطه‌ی دو سویه است؛ از یک سو، با عبودیت و معرفت دینی به جامعه دینی میرسیم، از سوی دیگر؛ با جامعه دینی به حاکمیت دینی منتقل می‌شویم. چون اساس جامعه دینی توحید است، نتیجه‌ی آن نیز حاکمیتی با منشأ الهی است (همان: ۳۴). از ویژگی‌های مهم حاکمیت دینی اهتمام به اجرای احکام دین و پیاده‌شدن اسلام در تمام شئون جامعه است. مودودی با تأکید بر اصل عبودیت انسان در برابر پروردگار بر تحقق آن به عنوان وظیفه اساسی انسان در زندگی تأکید می‌نماید و آن را اساس استوار در تحقق جامعه توحیدی و دلیل مسلمانی میداند (مودودی، ۱۳۸۸: ۳۶ و ۴۴-۴۶؛ مودودی، ۱۳۹۷هـ.ق/۱۹۷۷م: ۹). در باور مودودی مسلمان راستین، علاوه بر اقرار زبانی، در قلب و فکر نیز تسلیم خداوند متعال است و در هر کار رضا و رغبت آن ذات یگانه را مدنظر دارد و بر مبنای آن با دیگران تعامل می‌نماید (مودودی، ۱۳۸۸: ۸۹)؛ زیرا معنای حقیقی مسلمانی همین است (همان: ۳۶).

براین اساس، جامعه بر مبنای ارزشهای اسلامی اداره میشود، ملی‌گرایی در هر شکل آن وجود ندارد، تمام مسلمانان با عنوان «امت واحد» (همان: ۱۶۶-۱۶۷) از یک حکومت، دولت و سرزمین پیوسته برخوردارند و مرزهای جغرافیایی در درون سرزمین‌های مسلمانان وجود ندارد. مردم معتقدند حیات جاودان انسان پس از این جهان ادامه دارد و سعادت و شقاوت آن متأثر از نوع رفتار در این دنیا میباشد. از این رو، تلاش می‌نمایند تا خوشبختی آن جهان را با رفتار نیک در دنیا تأمین کنند. این باور هم به آنان امید میدهد و هم به تلاش و تکاپوی بیشتر وادار می‌سازد. افراد جامعه در سایه دانایی و تهذیب از رفتار سازنده و مثبت برخوردارند و میزان رذایل اخلاقی در میان‌شان به شدت رو به کاهش. عدالت اجتماعی با نظارت بیرونی (حکومت) و درونی (فضایل درونی و باورهای ذهنی) برقرار میباشد، علوم دینی و دنیایی در گسترش و اوج میباشد، انسجام و یکپارچگی جامعه در سایه خرد جمعی و درک بالای افراد جامعه از استحکام برخوردار می‌باشد.

تمدن اسلامی برآمده در چنین جامعه‌ی، که عبودیت خداوند جوهره اصلی آن را تشکیل میدهد، تمدن متفاوت از دیگر تمدنها است که پویایی و پایایی آن از اعتقاد به خداوند به دست می‌آید و انسان به عنوان بنده خداوند موظف است در هر گام مطابق دستور آن حضرت عمل کند (مودودی، ۱۳۹۷هـ.ق/۱۹۷۷م: ۷۲). از این رو میتوان اذعان داشت تمدن راستین تنها در تمدن اسلامی جلوه‌گر است که در آن پیشرفت واقعی در رفتار انسانها پدید می‌آید و خوی‌ها نرم و ملایم می‌گردد و رفتارها همراه با انصاف و عدالت صورت می‌گیرد.

نظام مردم‌سالار دینی

حکومت اسلامی از منظر مودودی بر دو رکن خدا و مردم استوار است و همین دیدگاه تحول فکری فرهنگی متفاوت با اندیشه بسیاری از اندیشمندان مسلمان را پدید می‌آورد. مودودی از یک سوی به شدت دیندار و پای‌بند

به اصول و مبانی دینی است؛ آنگونه که برخی او را یک سیاستمدار رادیکال به شمار می‌آورد (منیری، ۱۴۰۲/۶/۵؛ امینی و حزباوی، آذر ۱۳۸۹: ۶۵-۱۰۰). این امر تصور اندیشمند پای‌بند افکار سنتی از مودودی را در اذهان تداعی میکند؛ در حالیکه در سوی دیگر، وی در موضوع نظام سیاسی اسلامی مردم را رکن اصلی نظام و رضایت آنان را دلیل مشروعیت حکومت اسلامی میداند (مودودی، ۱۴۰۱ هـ.ق / ۱۹۸۱ م: ۶۴-۶۵). مودودی دلیل این امر را در خلافت انسان مؤمن از خداوند متعال میداند (همان: ۲۳ و ۲۴-۲۵؛ مودودی، ۱۳۹۸ هـ.ق / ۱۹۷۸ م: ۲۱)؛ به این معنا که براساس آیه ۳۰ بقره و ۵۵ نور خداوند انسان مؤمن را جانشین خویش در امر حکومت تعیین نموده و آنان به صورت یکسان از این حق برخوردارند (مودودی، ۱۴۰۱ هـ.ق / ۱۹۸۱ م: ۲۴-۲۵؛ مودودی، ۱۳۹۸ هـ.ق / ۱۹۷۸ م: ۱۹-۲۱). ولی از باب ضرورت و اینکه حکومت تمام افراد ممکن نیست، مردم در یک برنامه روشن و سیستم منطبق با شرایط روز این حق را به افراد ویژه واگذار می‌نمایند تا مدیریت جامعه و نظام سیاسی اسلامی را در دست بگیرند. براین اساس، در اندیشه مودودی حکومت دینی به معنای واقعی مردم‌سالار بوده و مردم در آن نقش تعیین‌کننده مشروعیتی دارند. بر همین مبنا است که ایشان انتخابات، همه‌پرسی و تشکیل احزاب (منوط به نداشتن انگیزه قدرت‌طلبی) را می‌پذیرد و خود نیز سی سال رهبری حزب جماعت اسلامی پاکستان (عارفی، ۱۳۸۲: ۱۰۱) را برعهده می‌گیرد و در عرصه‌های سیاسی حضور پررنگ از خود نشان میدهد. مردم‌سالاری مودودی باعث تحول دایمی در حکومت و جابجایی نخبگان و نیروها می‌گردد و در نتیجه نظام سیاسی مطابق شرایط زمان همواره تازه و متحول خواهد بود. گردش قدرت در دستان نخبگان، ضمن آنکه فرصت برابر برای همه جهت مشارکت در دولت را فراهم می‌سازد، رویکرد حاکمان را همواره مطابق نیازها و شرایط موجود جامعه به روزرسانی میکند. این امر تازگی را در جامعه حفظ نموده و تازگی همواره نشاط، فعالیت، تلاش و نوآوری را به دنبال دارد؛ چنانکه یکی از دلایل پیشرفت و ترقی مسلمانان در آغاز، تازگی و طراوت آیین اسلام بود که همراه با اصول و مبانی ارزشی و عدالت‌محور توانست با سرعت به شرق و غرب عالم گسترش یابد.

انقلاب فکری فرهنگی برآمده از این باور، ضمن آنکه گرایش غالب اندیشوران اهل سنت مبنی بر انحصاری‌بودن خلافت به قریش^۱ را نفی میکند، مردم را صاحبان اصلی حکومت معرفی می‌نماید که در هر عصر و زمان با استفاده از راه کارهای منطبق با شرایط روز زعما و مدیران مملکت را می‌توانند برگزینند (مودودی، ۱۴۰۱ هـ.ق / ۱۹۸۱ م: ۴۸) و بر اعمال شان نظارت داشته باشند. بنابراین، نظام اسلامی، نظامی است متکی بر آرای مردم، بسان نظام دموکراتیک غربی، با این تفاوت که در نظام دموکراسی غربی مردم به

۱ - اهل سنت براساس حدیث «لَا مَظْلَمَةَ مِنْ قُرَيْشٍ»، که نخستین بار در سقیفه بنی ساعده و در جریان تعیین ابوبکر به عنوان جانشین پیامبر(ص) مورد استفاده قرار گرفت، به صورت غالب چنین گرایش دارند که رهبر و امیرالمؤمنین قریشی باشد.

صورت مطلق آزادند، اما در نظام «تئوکراسی» اسلامی مردم تنها در چارچوب قانون الهی آزاد می‌باشند (همان: ۲۵).

در نظام اسلامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی جان، مال، آبرو، آزادی‌های شخصی، آزادی بیان و حقوق اساسی مردم از سوی دولت تأمین است (مودودی، ۱۳۹۷ هـ.ق / ۱۹۷۷ م: ۱۷۶-۱۸۸ با تلخیص و اقتباس). حزب‌گرایی و رقابت‌های منفی حزبی وجود ندارد (مودودی، ۱۴۰۱ هـ.ق / ۱۹۸۱ م: ۴۹-۵۰)، سبک زندگی مسلمانان بر مبنای ارزشهای اسلامی متفاوت از زندگی دیگر مردم جهان همراه با آرامش روانی، امید به زندگی، نشاط و شادابی معنوی، تلاش و کوشش و پیراسته از آلودگی‌های مادی جاری است. مردم با برخورداری از نیروی کنترل درونی، در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رفتار سالم و خردپسند را شاهدند. نظام اقتصادی سرمایه‌داری و نیز اقتصاد دولتی و ربا در آن وجود ندارد. تعاون و امداد جمعی در سطح بالایی در جامعه رواج دارد.

حکومت به منظور تأمین امنیت داخلی و دفع تهدیدات خارجی، از نیروی امنیتی قدرتمند برخوردار می‌باشد، در روابط خارجی، بر مبنای عزت مسلمانان و اصل گسترش آیین محمدی، در چارچوب اصول اسلامی با دیگر کشورها تعامل می‌نماید. مجموعه‌ی این فضایل که تحت مدیریت نظام سیاسی به فعلیت میرسد، تحقق جامعه آرمانی اسلامی است.

وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز

از اصول مهم تمدن اتحاد و همزیستی مردم است. جامعه اسلامی به مثابه پیکری واحد، نیازمند پیوند و همبستگی افراد و گروه‌هاست و هر چه این همبستگی و اخوت ایمانی افزایش یابد، امکان تحقق فضایل بیشتری در میان مردم میسر می‌شود و همین امر سبب رفع بسیاری از مشکلات اجتماعی و در نهایت پیشرفت جامعه می‌شود (زمانی محجوب، پاییز و زمستان ۱۳۹۹: ۱۶۲).

وحدت اسلامی بر پایه اخوت، نیازمند حاکمیت مقتدری است که بنایش پیاده‌کردن احکام دین در جامعه است. براین اساس، یکی از کارکردهای اساسی حکومت دینی، ایجاد وحدت و وفاق اجتماعی است. تشکیل امت واحده به عنوان زیرساخت حرکت تمدنی جهان اسلام الزاماتی دارد که حکومت دینی می‌تواند در فراهم آمدن این الزامات نقش آفرینی کند. به عنوان نمونه در برگزاری اعمال و مناسک مشترک، رفع اختلاف و تفرقه، بسترسازی برای همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمین و... (بهمنی، ۱۳۹۸: ۱۱۳-۱۱۴). در پرتو اجرای اصول و ارزشهای دینی توسط حکومت اسلامی، جامعه از استحکام، قوت و ضریب بالای ایمنی در برابر نفاق و شقاق برخوردار گردیده و مسلمانان همزیستی مسالمت‌آمیزی را تجربه می‌کنند. تأمین وحدت امت

توسط حکومت اسلامی به معنای اجرای کامل شریعت، مانند: عدالت، حفظ حقوق افراد در پرتو اسلام، امانتداری، مدارا و مدیریت در امور می‌باشد؛ نه به معنای سلطه مذهب، گرایش و گروه خاص و ایجاد نظام استبدادی و جلوگیری از هرگونه ندای حق‌طلبی و عدالت‌خواهی.

مودودی نیز با توجه به اهمیت این اصل در دستیابی به تمدن اسلامی، طرح راهبردی تحقق وحدت جهان اسلام در قالب نظریه «امت واحده اسلامی» را مطرح نموده و با رد انواع ملی‌گرایی، وحدت امت را اصل منبعث از منابع اصیل اسلامی میدانند که از آن با مفاهیم «امت»، «حزب الله» و «جماعة» یاد شده است (مودودی، ۱۳۹۷ هـ. ق/ ۱۹۷۷ م: ۱۶۵، ۱۶۶ و ۱۶۷). ایشان شعارهای ملی‌گرایی نژادی، سیاسی و مانند آن را، که امروزه بر جهان اسلام سایه افکنده و بر اثر آن اقوام و ملل مختلف هرکدام شعار ملی‌گرایی سر میدهند و به تاریخ و نیاکان‌شان مباحثات می‌نمایند، محصول فرهنگ و سیاست غریبان میدانند که با فرهنگ اسلام هیچ‌سختی ندارد و مانع تحقق تمدن اسلامی می‌شود (همان: ۱۶۱). وی به منظور تحقق وحدت امت مسلمان، پای‌بندی به احکام اسلامی و بازگشت مسلمانان به اسلام را شرط اساسی میدانند و در آثارش مکرر به آن می‌پردازد. علاوه بر آن، پرهیز از تکفیر (گیلانی، ۱۳۹۳: ۲۵۳) و خشونت و استفاده از اصل عقلانیت و تدبیر را توصیه می‌نماید (مودودی، ۱۴۱۹ هـ. ق/ ۱۹۹۸ م: ۹۸۰-۹۸۱).

حقوق بشر انسانی

از نقش‌ها و کارکردهای حکومت اسلامی پاسداری از ارزشهای انسانی و رساندن انسان به مراحل بالاتر کمال است و این کمال در اندیشه مودودی اطاعت محض و بندگی کامل خداوند می‌باشد؛ زیرا انسانها بنده خداوند و شرط بندگی اطاعت محض می‌باشد (مودودی، ۱۳۸۸: ۴۴-۴۶). با اطاعت از خدای متعال فرمان‌وی مبنی بر حفظ کرامت انسانی برای افراد جامعه محقق می‌شود. خداوند کرامت را در سرشت انسان قرار داده و انسانها را به پاسداشت از این امر مهم فرمان داده است (إسراء، ۷۰). حکومت اسلامی وظیفه دارد شرایط را برای زندگی آبرومندانه تمام افراد، اعم از مسلمان و غیر مسلمان، فراهم نماید و نباید با ظلم، اجحاف و تعدی به حقوق انسانی تعرض نماید. مودودی بر همین مبنا تلاشهای بسیار نمود تا دولت تازه تأسیس پاکستان را صیغه‌ی اسلامی ببخشد و در این راستا ابتدا «قرارداد مقاصد» (عارفی، ۱۳۸۲: ۹۷-۹۸) را در دولت پاکستان به تصویب رساند و در ادامه با تدوین قانون اساسی اسلامی و برگزاری همایش‌های گوناگون و تصویب اصول چهارگانه (همان: ۹۸-۹۹) و مبارزات پیگیر این راه را با قوت و قدرت ادامه داد و بارها طعم تلخ زندان و محرومیت‌های سیاسی اجتماعی را چشید.

مودودی معتقد است در نظام اسلامی انسان‌ها، از هر نژاد، رنگ، ملیت و دین، از حقوق اساسی زندگی

مانند: حق حیات، حق داشتن امنیت در زندگی، حق داشتن عفاف و پاکدامنی برای زنان، حق داشتن زندگی مناسب از نظر معیشت و حمایت‌های مالی و اقتصادی، حق برخورداری از آزادی فردی و زندگی آزادانه در پرتو قانون، حق دادخواهی و عدالت، حق برابری در برابر قانون و حقوق شهروندی برخوردارند و میان مسلمان و غیر مسلمان فرقی وجود ندارد؛ چنانکه میان زن و مرد نیز در این باره فرقی نیست (مودودی، پاییز ۱۳۸۹: ۱۰-۱۸). وی با استناد به آیه ۱۹ ذاریات معتقد است هر کسی که مستحق کمک باشد، فرق نمیکند مسلمان باشد، یا غیر مسلمان، زن باشد، یا مرد و از شما درخواست کمک کند و این توانایی در شما باشد، خداوند کمک به او را بر ذمه تو یک حق مقرر نموده است و تو موظف هستی به او کمک نمایی (همان: ۱۲).

ایشان با استفاده از آیات متعدد قرآن کریم معتقد است مسلمانان نه تنها میان خودشان باید به عدالت رفتار کنند، بلکه با دشمنان‌شان نیز همراه با عدالت باید رفتار نمایند. از این رو، کسی حق ندارد بر دیگری، حتی اگر دشمن او باشد، ظلم روا دارد و حقوق انسانی او را نادیده بگیرد. عدالتی که اسلام از آن سخن میگوید، به مسلمانان، نژاد، قوم و هم‌دینان آنها اختصاص ندارد، بلکه عام و فراگیر است و همه افراد بشر را شامل می‌شود (همان: ۱۳-۱۴). چنانکه برابری که در اسلام از آن سخن گفته شده، خداوند آن را به عنوان یک حق به انسان داده و به قوم، نژاد، ملت و گروه خاص متعلق نکرده است. بنابراین، هیچ انسانی به خاطر نژاد، محل تولد، رنگ و ملیت نباید با سایر انسانها متفاوت باشد و با او برخورد متفاوت صورت بگیرد (همان: ۱۴). امنیت در زندگی و اموال، حمایت از شرف و حیثیت انسانی، حفظ حریم خصوصی و داشتن امنیت در این باره، برخورداری از امنیت کامل آزادی که از موضوعات حقوق شهروندی به‌شمار می‌رود، در دیدگاه مودودی عام و فراگیر است و همه از این حق برخوردارند و دولت اسلامی موظف به تأمین آن برای تمام شهروندان می‌باشد (همان: ۱۵-۱۸).

البته در بحث زنان و اقلیت‌های غیرمسلمان مودودی دیدگاه متفاوتی دارد و این دو گروه را تنها از حضور در عرصه‌های مهم و برجسته سیاسی محروم میداند، نه سایر حقوق و امتیازات؛ زیرا معتقد است براساس قرآن و روایات پیامبر خدا(ص)، زنان از ورود به عرصه‌های مهم سیاسی و مدیریتی جامعه منع شده است^۱، چنانکه اقلیت‌های غیرمسلمان نیز حق ورود به عرصه‌های مهم سیاسی و مدیریتی جامعه را ندارند؛ زیرا آنان به خداوند باور ندارند تا به عنوان خلیفه ایشان حق حکومت داشته باشند (مودودی، ۱۳۹۷هـ ق/۱۹۷۷م: ۹۱).

۱ - مستندات ایشان در این باب عبارتند از: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (نساء، آیه ۳۴): «لن یفلح قوم ولوا أمرهم امرأة» (صحیح البخاری فی نظم جدید، پیشین، ج ۵، ص ۱۹۹۷، حدیث ۴۴۲۵): «إذا کان أمراءکم شرارکم و أغنیاءکم بخلاءکم و أمورکم إلی نساءکم فبطن الارض خیر من ظہرها» (تدوین الدستور الاسلامی، پیشین، ص ۷۲).

هـ) نتیجه گیری

از مطالب پیش گفته چنین به دست می‌آید که در دیدگاه مودودی حکومت اسلامی از مسیر انقلاب فکری فرهنگی، به عنوان حلقه واسطه، نقش به‌سزا در ایجاد تمدن اسلامی دارد و تمدن اسلامی به عنوان متغیر وابسته به حکومت اسلامی به آن نیازمند است. حکومت اسلامی، به معنای حکومتی که مرجعیت همه‌جانبه اسلام را در سیاست و اداره جامعه پذیرفته و دولت و نهادهای تابعه آن در برابر این آیین الهی خود را مکلف میداند و رسالت آن حمایت، دفاع، نشر و تبلیغ اسلام می‌باشد. تمدن اسلامی حالت اجتماعی پیشرفته است که بر اثر تعالی فرهنگ اسلامی، رشد و توسعه اقتصادی، گسترش ارتباطات و توسعه سازمانها و نهادهای اجتماعی بر مبنای دین اسلام پدید می‌آید و فرهنگ اسلامی تنها جهت‌دهنده آن می‌باشد. حکومت اسلامی از مسیر انقلاب فکری فرهنگی اسلامی، تمدن اسلامی را به منصفه ظهور میرساند؛ زیرا حکومت اسلامی حداقل پنج شاخص برجسته را برای جامعه اسلامی به ارمغان می‌آورد که برآیند آن تحقق انقلاب اسلامی است که در فرایند تکاملی خود تمدن اسلامی را به وجود می‌آورد. این ویژگی‌ها عبارتند از: حاکمیت توحیدی، ایجاد جامعه مسئولیت‌پذیر دینی، تشکیل نظام سیاسی مردم‌سالار، وحدت و همزیستی امت و حقوق بشر انسانی.

یافته‌های تحقیق بر مبنای اندیشه مودودی را در ادامه میتوان چنین برشمرد:

- ۱- تمدن اسلامی محصول انقلاب فکری فرهنگی اسلامی است که بر اثر تلاش و فعالیت نظام اسلامی پدید می‌آید. از این رو لازم است حکومت اسلامی در راستای ایفای وظیفه خود احکام و شریعت اسلامی را در جامعه با سازوکارهای صحیح به اجرا درآورد تا تحول فرهنگی در جامعه پدید آمده و در نتیجه تمدن اسلامی شکل بگیرد. نکته بسیار مهم در این میان، توجه به فاصله میان برقراری حکومت اسلامی تا انقلاب اسلامی است؛ زیرا چه بسیار حاکمان و حکومت‌هایی که با همه تلاشها نتوانستند انقلاب فکری فرهنگی اسلامی را در جامعه محقق سازند و این آرزو را با خود بردند!.
- ۲- مقصود مودودی از حکومت اسلامی که انقلاب اسلامی را به همراه می‌آورد، حکومتی است که بر مبنای اصول، مبانی و قوانین اسلام پدید آمده و حکومت در تمام ابعاد خود را مکلف به اطاعت از شریعت اسلامی میداند و دفاع، تبلیغ و گسترش اسلام را جزو وظایف خود برمی‌شمارد. برای برپایی چنین حکومتی، لازم است گروهی از افراد دین‌شناس، مهذب، آگاه و انقلابی قیام کنند و حکومت‌های جائز و غیر اسلامی را براندازند و نظام اسلامی را جایگزین کنند. حکومت‌های کنونی موجود در بسیاری کشورهای مسلمانان را نمیتوان حکومت اسلامی خواند؛ چنانکه حکومت‌های تاریخی مسلمانان، بجز حکومت‌های خلفای راشدین، را نمیتوان صد در صد اسلامی دانست.

۳- نظام سیاسی اسلامی یک نظام مردم‌سالار دینی است که حکومت اسلامی با خواست و نظر مردم به وجود می‌آید و عدم رضایت آنان به معنی عدم مشروعیت دولت اسلامی است. تمام مسلمانان به صورت یکسان از حق انتخاب برخوردارند که براساس سازوکارهای منطبق با شرایط روز و همسو با نظر اسلام میتوانند حکومت اسلامی تشکیل دهند. تحول فکری ناشی از باور به چنین ایده، نقش و جایگاه مردم در نظام اسلامی را ارتقا می‌بخشد.

۴- انقلاب اسلامی به مثابه جامعه‌پردازی است که دولت اسلامی با تلاش در دستیابی به اهداف و آرمان‌های نظام اسلامی از مسیر اجرای شریعت و افزایش دانش دینی در جامعه به آن می‌پردازد. دستیابی به این هدف به معنای رسیدن به تمدن اسلامی است که در سایه آن انسان‌ها زندگی سرشار از خیر و برکت، آرامش و آسایش، دانایی و خردورزی را تجربه می‌کنند.

۵- به دلیل اهمیت فاصله موجود میان استقرار حکومت اسلامی تا انقلاب اسلامی و عدم اهتمام محققان و صاحب‌نظران به تبیین و تحلیل راهبردها و راهکارهای مهم و اساسی برای پیمودن صحیح این فاصله، نویسنده، تحقیق در این باب را برای محققان و پژوهشگران پیشنهاد میکند. آنان با استفاده از دانش‌های جدید جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه، علوم سیاسی، علوم دینی، تاریخ و مانند آن لازم است این فراز از حیات اجتماعی را تحلیل و ارزیابی نمایند و نشان دهند که چگونه حکومت اسلامی میتواند تحول فکری فرهنگی اسلامی فراگیر و اساسی را به وجود آورد و در این راه خود به انحراف، فساد و ضد انقلاب کشیده نشود؟! برقراری حکومت راستین اسلامی بر مبنای نظر مودودی کاری است دشوار، اما مهم‌تر و دشوارتر از آن، عبور سالم و صحیح فاصله میان حکومت اسلامی تا انقلاب اسلامی است که اگر این فاصله به درستی و سلامت طی شود، انقلاب اسلامی و در نتیجه تمدن اسلامی به دست می‌آید.

فهرست منابع و مآخذ

الف) کتب

قرآن کریم

- ۱) ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (1362)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲) امیرخانی، علی، (۱۳۸۸)، احیای گرای اسلامی از نظرگاه امام خمینی (ره) و ابوالاعلی مودودی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه ادیان و مذاهب قم.
- ۳) انوری، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، اول.
- ۴) آذرنگ، عبدالحسین، (۱۳۹۰)، تاریخ تمدن، تهران، نشر کتابدار.
- ۵) آریان پور کاشانی، منوچهر، (۱۳۸۸)، فرهنگ بزرگ یک جلدی فارسی- انگلیسی پیشرو، با همکاری مصطفی عاصی، تهران، نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رایانه امین، دوازدهم.
- ۶) آقایی، سید مسعود، (۱۳۸۷)، دین و نظام سازی، امام خمینی و حکومت اسلامی (مبانی کلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۷) بخاری، محمد بن اسماعیل، (۲۰۰۶م)، صحیح البخاری فی نظم جدید، تألیف و تحقیق موسی شاهین لاشین، قاهره، دار المدار الاسلامی، اول.
- ۸) بهمنی، محمدرضا، (۱۳۹۸)، عیار تمدنی جمهوری اسلامی ایران، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۹) جان احمدی، فاطمه، (۱۳۹۹)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، نشر معارف.
- ۱۰) جعفری، محمدتقی، (۱۳۸۶)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، هشتم.
- ۱۱) جمال، احمد محمد علی، (۱۳۹۳ق)، مائدة القرآن: دین و دولة، بیروت، الکتاب اللبنانی.
- ۱۲) جمعی از محققان، زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، (۱۳۸۱)، دایرة المعارف تشیع، ج ۶، تهران، سوم.
- ۱۳) _____، (۱۳۷۵)، دایرة المعارف تشیع، ج ۲، تهران، سوم.
- ۱۴) جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۶)، جستاری نظری در باب تمدن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
- ۱۵) جمعی از نویسندگان، (۲۰۰۰م)، المنجد فی اللغة والاعلام، بیروت، دار المشرق، طبع سی و هشتم.
- ۱۶) جهامی، جیرار (۲۰۰۲م)، موسوعة مصطلحات الفكر العربی و الاسلامی المعاصر و الحدیث (۱۹۴۰-۲۰۰۰)، بیروت، دار الکتاب اللبنانی، اول.
- ۱۷) حبیبی، ضامن علی، (۱۳۸۵)، حکومت دینی در اندیشه امام خمینی و ابوالاعلی مودودی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، اول.

- ۱۸) حق شناس، علی محمد و همکاران، (۱۳۸۶)، فرهنگ معاصر هزاره، تهران، فرهنگ معاصر، چاپ یازدهم.
- ۱۹) خمینی، روح الله موسوی، (۱۳۸۹)، صحیفه امام (۲۲ جلدی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۲۰) دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، دوم.
- ۲۱) سعیدی، شبیر احمد، (۱۳۸۹)، جمهوریت در حکومت اسلامی از نگاه امام خمینی (ره) و ابوالاعلی مودودی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه اسلامی، مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) وابسته به جامعه المصطفی العالمية.
- ۲۲) طلوعی، محمود، (۱۳۹۰)، فرهنگ جامع سیاسی، تهران، نشر علم، چهارم.
- ۲۳) عارفی، محمداکرم، (۱۳۸۲)، جنبش اسلامی پاکستان، قم، بوستان کتاب.
- ۲۴) عزیززاده موسوی، سید مهدی، (۱۳۹۴)، نظام سیاسی در اندیشه سید ابوالاعلی مودودی، تهران، انتشارات امیرکبیر، اول.
- ۲۵) عماره، محمد، (۲۰۰۵م)، هذا هو الاسلام؛ الدين والحضارة و عوامل امتیاز الاسلام، قاهره، مكتبة الشروق الدولية.
- ۲۶) فیرحی، داود، (۱۳۸۳)، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) و مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم، دوم.
- ۲۷) کاشفی، محمدرضا، (۱۳۹۴)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، پنجم.
- ۲۸) کاظمی، سید حسن مهدی، (۱۳۸۸)، بررسی دیدگاه های تقریبی امام خمینی (ره) و مولانا سید ابوالاعلی مودودی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مذاهب اسلامی مجتمع آموزش عالی امام خمینی وابسته به جامعه المصطفی العالمية.
- ۲۹) گلشنی، علی، (۱۳۷۵)، بررسی و نقد اندیشه های سیاسی - اجتماعی و تحولات فکری - عملی مودودی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۳۰) گیلانی، سید اسعد، (۱۳۹۳)، نگاهی به احوال، آثار و افکار سید ابوالاعلی مودودی، ترجمه نذیر احمد سلامی، تهران، نشر احسان، دوم.
- ۳۱) متو، محمد اشرف، (۱۳۸۸)، اسلام و مقتضیات زمان از نظر شهید مطهری و ابوالاعلی مودودی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه اسلامی، مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) وابسته به جامعه المصطفی العالمية.
- ۳۲) محمود عقاد، عباس، (۱۹۹۹م)، الاسلام والحضارة الانسانية، قاهره، دار النهضة للطباعة والنشر والتوزيع.
- ۳۳) مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۵)، توحید در نظام عقیدتی و نظام ارزشی اسلام، قم، شفق.

- (۳۴) مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰)، مجموعه آثار ۲۴ (آینده انقلاب اسلامی)، تهران، انتشارات صدرا، پنجم، فروردین.
- (۳۵) موثقی، سید احمد، (۱۴۰۱)، جنبش‌های اسلام‌گرایی معاصر، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت)، هفدهم.
- (۳۶) مودودی، ابوالاعلی، (۱۳۹۷هـ.ق/۱۹۷۷م)، الحكومة الإسلامية، ترجمه به عربی، احمد ادريس، قاهره مصر، المختار الاسلامی للطباعة والنشر والتوزيع، اول.
- (۳۷) — (۱۳۹۸هـ.ق/۱۹۷۸م)، الخلافة والملك، ترجمه به عربی احمد ادريس، کویت، دار القلم، اول.
- (۳۸) — (۱۴۰۱هـ.ق/۱۹۸۱م)، تدوین الدستور الاسلامی، بیروت، مؤسسة الرسالة، پنجم.
- (۳۹) — (۱۴۱۹هـ.ق/۱۹۹۸م)، رسائل و مسائل کامل، ترجمه سید احمد مودودی چشتی، لاهور پاکستان، دار العروبة للدعوة الإسلامية، اول.
- (۴۰) — (۱۳۹۶)، مسلمانان و تمدن غرب، ترجمه ابراهیم امینی، قم، بوستان کتاب، اول.
- (۴۱) — (۱۳۸۸)، مفاهیم اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه، ترجمه دکتر اصغر آفتاب، تهران، نشر احسان، سوم.
- (۴۲) — (۱۹۸۷م)، اصول و مبادی تمدن اسلامی، ترجمه عبیدالله اسد، لاهور پاکستان، دار العروبة للدعوة الإسلامية، اول.
- (۴۳) موسوی، سید محمد جمال، (۱۳۹۳)، بررسی مقایسه‌ای عوامل سقوط تمدن‌ها از دیدگاه ابن خلدون و توبین‌بی، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، اول.
- (۴۴) مهدی‌نژاد، سید محمدرضا، (۱۴۰۰)، رابطه دین و تمدن در اندیشه متفکران مسلمان، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، اول.
- (۴۵) ولایتی، علی‌اکبر، (۱۳۸۶)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (دو جلدی)، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، اول.
- (۴۶) ویلیام جیمز دورانت، (۱۳۷۷)، تاریخ تمدن، مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات اقبال، اول.

ب) مقالات

- (۴۷) جلیل‌دارا و سعید قربانی تازه‌کندی، (تابستان ۱۳۹۸)، بازشناسی نقش مؤلفه‌های فرهنگی حکومت اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۳۱.

- (۴۸) خزاعی گسک، مهدی، (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، تحلیل مردم‌سالاری دینی در اندیشه ابوالاعلی مودودی، ره‌آورد سیاسی مربوط دانشگاه امام صادق(ع)، سال دوازدهم، شماره ۴۳ (پیاپی ۴۴).
- (۴۹) زمانی محبوب، حبیب و سید جلال حسینی، (پاییز ۱۳۹۸)، بایسته‌های فرهنگی تمدن‌سازی نوین اسلامی - ایرانی با تأکید بر اندیشه امام خمینی، نشریه تمدن اسلامی و دین پژوهی، سال اول، شماره یکم.
- (۵۰) زمانی محبوب، حبیب، (بهار و تابستان ۱۴۰۰)، شاخص‌های تمدنی نظام حکومتی پیامبر اسلام، پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی، سال اول، شماره یکم.
- (۵۱) _____، (بهار ۱۳۹۰)، نوسازی تمدن اسلامی، نشریه تاریخ در آینه پژوهش، سال هشتم، شمار اول.
- (۵۲) _____، (پاییز و زمستان ۱۳۹۹)، نقش حاکمیت دینی در تمدن‌سازی براساس اندیشه امام خمینی، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال هشتم، شماره هجدهم، بیانات آیت الله خامنه‌ای ۱۳۹۱/۷/۲۳.
- (۵۳) صداقت ثمرحسینی، کامیار، (پاییز و زمستان ۱۳۹۳)، دانش تمدنی در اندیشه مالک بن نبی، فلسفه علوم انسانی اسلامی صدرا، شماره ۱۱ و ۱۲.
- (۵۴) عراقچی، سید عباس، (پاییز ۱۳۷۸)، اندیشه‌های سیاسی ابوالاعلی مودودی و جنبش احیاطلبی اسلامی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ششم، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۹.
- (۵۵) علی‌اکبر امینی و قاسم حزباوی، (آذر ۱۳۸۹)، مبانی فکری خشونت سیاسی در بنیادگرایی اسلامی، سایت: فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، دوره سوم.
- (۵۶) کاملان، محمدصادق و یزدانی‌فر، صالحه، (زمستان ۱۳۹۲)، مطالعات اسلامی - فقه و اصول، شماره پیاپی ۹۵، سال چهل‌وپنجم.
- (۵۷) معماری، داود، (پاییز و زمستان ۱۳۶۹)، نگاشت آینده تمدنی؛ اضلاع تمدن نوین اسلامی و راه پایداری‌سازی و پابرجایی آن، نشریه آینده‌پژوهی ایران، سال دوم، شماره سوم.
- (۵۸) منیری، سید هاشم، (۱۴۰۲/۶/۵)، پیدایی و پایایی گروه‌های رادیکال در منطقه خاورمیانه، سایت سند (سامانه نشریات دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد).
- (۵۹) مودودی، سید ابوالاعلی، (پاییز ۱۳۸۹)، حقوق بشر در اسلام، ترجمه سید مجتبی حسینی الموسوی، نشریه فروغ وحدت، سال ششم، شماره ۲۱.
- (۶۰) میرعلی، محمدعلی، (فروردین ۱۳۹۷)، گسست و پیوست امت اسلامی در اندیشه سیاسی مودودی، فصلنامه سیاست مربوط دانشگاه تهران، دوره ۴۸، شماره ۱.
- (۶۱) وحیدی‌منش، حمزه علی، (اسفند ۱۳۸۶)، عناصر تمدن‌ساز اسلام، نشریه معرفت، شماره ۱۲۳.